

Title of Paper: An Analysis and Examination of the Vegetative Soul as a Qur'anic Teaching

Sha'bān Nosrati (Corresponding Author) ¹

Mohammad Rok'ei

Title of Paper: An Analysis and Examination of the Vegetative Soul as a Qur'anic Teaching

Sha'bān Nosrati (Corresponding Author) ¹ , 0009-0002-3821-8390

Mohammad Rok'ei

1. Assistant Professor, Department of Epistemological Foundations and Research Methodology, Research Institute of the Theology of Ahl al-Bayt (peace be upon them), Qur'an and Hadith Research Institute, Qom, Iran. nosrati.s@riqh.ac.ir. Country. E-mail. abcdef@..... (Email Times New Roman 9 hyperlink)
3. Assistant Professor, Department of Epistemological Foundations and Research Methodology, Research Institute of the Theology of Ahl al-Bayt (peace be upon them), Qur'an and Hadith Research Institute, Qom, Iran. Rakae.m@riqh.ac.ir)

Article Info	ABSTRACT
Article type Research Article Article history: Received Received in revised form Accepted Available online Keywords: term, term	The existence of the vegetative soul as a Qur'anic teaching has been accepted or argued for by many Qur'anic exegetes. These scholars classify the soul and <i>nafs</i> into three categories: the vegetative soul, the animal soul, and the human soul. This study aims to examine the extent to which this hypothesis is supported by the apparent meaning of the Qur'anic verses. Method(s): Employing a descriptive-analytical method, this study investigates whether the Qur'an's apparent textual evidence supports the claim that the vegetative soul constitutes a Qur'anic teaching. The central question is whether the vegetative soul can be established as a Qur'anic doctrine on the basis of the apparent meanings of the verses, or whether such a conclusion cannot be derived from them. Result(s): The findings indicate that the apparent meanings of the Qur'anic verses neither establish nor negate the existence of a vegetative soul; rather, affirming its existence requires evidence external to the Qur'anic text. In the Qur'an, the growth of plants is mentioned primarily as evidence supporting the intelligibility of resurrection and divine oneness, with God presented as the principal agent of this process. Factors such as the inherent capacities of plants and soil, together with water as a life-giving element, contribute to the process of growth—including the splitting of seeds, the emergence of vegetation, and the breaking forth of the earth. Nevertheless, at no stage does the Qur'an provide evidence either affirming or denying the existence of a vegetative soul. The rational arguments advanced for such a soul are based on the alleged necessary connection between life and the possession of a soul, which is itself a claim requiring justification. From an empirical perspective, moreover, all stages of plant growth can be explained through physical and natural processes.

Conclusions: The processes involved in plant growth may be regarded as natural acts attributable to natural agents. Accordingly, positing an independent entity beyond the plant's physical capacities is necessary only if a physical account proves incapable of adequately explaining the processes of plant growth and development.

Cite this article: با توجه به شیوه‌نامه نشریه، شیوه استناد به مقاله را تنظیم کنید: نام خانوادگی، نام کوچک (حرف اول نام)، (سال نشر)، عنوان مقاله. **Cite this article:** نام نشریه (به صورت ایتالیک)، (شماره دوره)، شماره نشریه، آغاز و پایان صفحات مقاله. شناسه دیجیتال دی‌او‌آی.



© The Author(s).

Publisher: Razavi University of Islamic Sciences

پیش از انتشار (ناویراسته)

تحلیل و بررسی روح نباتی به مثابه آموزه‌های قرآنی

نویسنده مسئول: شعبان نصرتی :

استادیار گروه مبانی معرفتی و روش شناسی پژوهشکده کلام اهل بیت علیهم السلام پژوهشگاه قرآن و حدیث قم ایران. nosrati.s@riqh.ac.ir

نویسنده ۲: محمد رکنی

استادیار گروه مبانی معرفتی و روش شناسی پژوهشکده کلام اهل بیت علیهم السلام پژوهشگاه قرآن و حدیث قم ایران. rakae.m@riqh.ac.ir

اطلاعات مقاله چکیده

نوع مقاله: Mitra 10

(Bold)

وجود روح نباتی به عنوان یکی از آموزه‌های قرآنی، از سوی بسیاری از مفسران پذیرفته یا اثبات شده است. آنان روح و نفس را به سه قسم روح نباتی، روح حیوانی و روح انسانی تقسیم می‌کنند. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی درصدد بررسی میزان تأیید این فرضیه بر اساس ظهور آیات قرآن است و پرسش اصلی آن این است که آیا روح نباتی یک آموزه قرآنی است یا از ظهور آیات استفاده نمی‌شود. روش: این پژوهش با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی، آیات مرتبط با رویش و رشد گیاهان و نیز ادله تفسیری و عقلی ارائه شده در اثبات روح نباتی را بررسی می‌کند. یافته‌ها: یافته‌ها نشان می‌دهد که از ظهور آیات قرآن، روح نباتی نه اثبات و نه نفی می‌شود و اثبات آن نیازمند ادله بیرونی است. در قرآن، رویش گیاهان تنها برای باورپذیری معاد و توحید بیان شده و فاعل اصلی این حرکت، خداوند دانسته شده است. عواملی مانند قابلیت گیاه و زمین، و نقش آب به عنوان عنصر حیات بخش، در فرایند رشد — شکافته شدن دانه، سبز شدن گیاه و شکافتن زمین — مؤثرند؛ اما در هیچ مرحله‌ای دلیل قرآنی بر اثبات یا نفی روح نباتی اقامه نشده است. دلایل عقلی ارائه شده بر ملازمه حیات با روح استوارند که خود یک ادعاست. از منظر تجربی نیز تمام مراحل رشد گیاه با فرایندهای فیزیکی — طبیعی قابل تبیین است و این مراحل، افعال طبیعی محسوب می‌شوند که به فاعل طبیعی ارجاع داده می‌شوند. بنابراین، ارجاع به یک هویت مستقل خارج از توانایی‌های فیزیکی گیاه، تنها در صورتی ضروری است که تبیین فیزیکی قادر به توضیح رشد و نمو نباشد.

تاریخ دریافت:

تاریخ بازنگری:

تاریخ پذیرش:

تاریخ انتشار:

کلید واژه: قرآن کریم، روح، روح نباتی، نفس نباتی، رویش گیاهان

استناد: با توجه به شیوه‌نامه نشریه، شیوه استناد به مقاله را تنظیم کنید: نصرتی، شعبان (ش)، رکعی محمد. (سال نشر). عنوان مقاله. آموزه های قرآنی (به صورت ایتالیک)، (شماره دوره)، شماره نشریه، آغاز و پایان صفحات مقاله. شناسه دیجیتال دی‌او‌ای.



© نویسندگان.

ناشر: دانشگاه علوم اسلامی رضوی.

نسخه پیش از انتشار (ناویراسته)

مقدمه

۱. بیان مساله

روح نباتی، آموزه‌ای پذیرفته شده در الهیات اسلامی و منسوب به قرآن است. این پژوهش با روش توصیفی - تحلیلی، میزان تأیید فرضیه روح نباتی بر اساس ظهور آیات قرآن را بررسی می‌کند و با تحلیل واژگان و تعبیر قرآنی درباره آفرینش انسان، حیوان و گیاه، تفاوت ساحت‌های حیات آنها را تبیین می‌سازد. در آیات مربوط به انسان، از دمیدن روح الهی و درباره گیاهان از رویش و انبات سخن گفته شده است. پرسش پژوهش این است که آیا این تفاوت در تعبیر قرآنی، افزون بر تفاوت آفرینشی، بیانگر تفاوتی هستی‌شناختی و وجود نوعی روح در گیاهان نیز هست؟

هدف این پژوهش نقد دیدگاه موافقان یا مخالفان روح نباتی نیست، بلکه ارائه بازشناسی قرآنی از این آموزه در چارچوب جهان‌شناسی اسلامی و بررسی میزان تأیید وجود روح نباتی از منظر قرآن است. نقل دیدگاه اندیشمندان نیز صرفاً برای نشان دادن پیشینه پذیرش آن و نه نقد و ارزیابی آرای آنان صورت می‌گیرد.

۲. پیشینه بحث

اگرچه در مورد روح و نفس پژوهش‌های مستقل زیادی انجام گرفته که برخی از آنها روح و نفس را از منظر قرآن بررسی کرده‌اند ولی در موضوع روح نباتی در قرآن پژوهش مستقلی صورت نگرفته است البته برخی از مفسران قایل به وجود روح نباتی بوده‌اند. عبد الکریم شهرستانی (۵۴۸ق) (شهرستانی، ۱۳۸۷ش، ج. ۲، ص. ۷۵۵ و ص. ۱۰۷۱)، ابن عربی (۶۳۸ق) (ابن عربی، ۱۴۱۰ق، ج. ۱، ص. ۹۱)، سید حیدر آملی (زنده تا ۷۸۷ق) (آملی، ۱۴۲۲ق، ج. ۱، ص. ۵۴۴ و ج. ۲، ص. ۳۹۷)، بقاعی، ابراهیم بن عمر (۸۸۵ق) (بقاعی، ۱۴۲۷ق، ج. ۴، ص. ۴۰۸) محیی الدین شیخ زاده (۹۵۱ق) (شیخ‌زاده، ۱۴۱۹ق، ج. ۵، ص. ۴۰۷)، ملا صدرا (۱۰۵۰ق) (ملا صدرا، ۱۳۶۱ش، ج. ۴، ص. ۳۷۴ و ج. ۵، ص. ۱۶۵)، فیض کاشانی (۱۰۹۱ق) (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج. ۱، ص. ۳۱۷)، حقی برسوی (۱۱۳۷ق) (حقی برسوی، بی تا، ج. ۱، ص. ۴۱۷ و ج. ۴، ص. ۱۰)، علامه طباطبایی (۱۴۰۱ق) (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج. ۱۹، ص. ۱۹۹)، صادقی تهرانی (۱۳۹۱ش) (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹ق، ص. ۲۹۰)، آیت الله مکارم شیرازی (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ق، ج. ۵، ص. ۲۲۵)، قائل به روح نباتی هستند.

۳. مفهوم‌شناسی روح

روح در لغت در سه معنای عام به کار رفته است: ۱) «وسعت و انبساط و گستردگی» (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج. ۲، ص. ۴۵۴؛ ۲) جسم رقیقی که از جنس باد است (عسکری، ص. ۹۶؛ ۳) «ظهور و جریان امر لطیف» (مصطفوی، ۱۳۶۸ش، ج. ۴، ص. ۲۵۷) است. روح وقتی در انسان به کار می‌رود همان نفس است (ازهری، ۱۴۲۱ق، ج. ۵، ص. ۱۳۹؛ ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج. ۳، ص. ۵۱۰-۵۱۱) نفسی که زندگی بدن به آن است (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج. ۳؛ ص. ۲۹۱) روح با حیات، نفس، خون و ذات انسان تفاوت دارد. روح،

۱. غیر از این معنای عام کاربردهای دیگری نیز در معنای روح آمده است که به این سه معنا بازگشت دارند. این معانی عبارتند از: فرشته - جبرئیل یا مصداق دیگر از فرشتگان - (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج. ۳، ص. ۲۹۱؛ ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج. ۲، ص. ۴۵۴؛ ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج. ۳، ص. ۵۱۰-۵۱۱) «وحي، قرآن، نبوت (ابن اثیر، ۱۳۶۷ش، ج. ۲، ص. ۲۷۲؛ ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج. ۳، ص. ۵۱۰-۵۱۱)، عیسی (ع) (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج. ۳، ص. ۵۱۰-۵۱۱؛ طریحی، ج. ۲، ص. ۳۵۴) مخلوقی مانند انسان، حکم و امر الهی، و نگهبان فرشتگان» (ابن سیده، ۱۴۲۱ق، ج. ۳، ص. ۵۱۰-۵۱۱)

جوهر و حیات، عرض است. روح جوهر حساس و جسمی است که جایگاه آن در صدر یا قلب انسان است و یا در سرتاسر بدن گسترده شده است. (عسکری، ۱۴۰۰ق، ص. ۹۶)

۳-۱. روح در قرآن و حدیث

روح در قرآن موجودی مستقل و دارای علم و حیات است و در اصل، بر بُعد هویتی انسان دلالت ندارد. در روایات تفسیری نیز روح، مخلوقی ملکوتی و بزرگ‌تر از جبرئیل و میکائیل معرفی شده است (ابن بابویه، ۱۴۱۴ق، ص. ۵۰؛ حسینی علائی، ۱۳۹۰ش، ص. ۲۴). از میان ۲۴ کاربرد قرآنی واژه «روح»، تنها چهار مورد درباره انسان است که آنها نیز به آفرینش خاص حضرت آدم و حضرت عیسی (ع) مربوط می‌شود و از این رو نمی‌توان آن را به همه انسان‌ها تعمیم داد (نصرتی، ۱۳۹۷ش، ص. ۲۹؛ ابن قیم، ۱۴۱۴ق، ص. ۳۶۲-۳۷۱). بنابراین، حتی با فرض تعمیم این موارد، کاربرد اصلی «روح» در قرآن لزوماً بر هویت انسانی دلالت ندارد. «روح» در روایات کاربرد گسترده‌ای درباره روح انسانی دارد؛ از جمله در روایتی، روح مشتق از «ریح» دانسته شده است (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۱، ص. ۱۳۳). همچنین روایات از وجود ارواح متعدد و متفاوت در انسان سخن گفته‌اند (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج. ۱، ص. ۲۷۱؛ صفار، ۱۴۰۴ق، ج. ۱، ص. ۴۴۵؛ روحانی و ذاکری، ۱۳۹۹ش، ص. ۷۵-۸۴).

۳-۲. روح نباتی در کلام و فلسفه اسلامی

در کلام و فلسفه، روح نباتی یا نفس نباتی، پایین‌ترین مرتبه نفس انسانی دانسته شده است (ایجی، ۱۳۲۵ق، ج. ۳، ص. ۱۸۸). در تعریف آن گفته شده است:

«یکی از آنها نفس گیاهی است که همان کمال نخستین برای جسمی طبیعی و اندامدار است، از آن جهت که پدید می‌آید، رشد می‌کند و تغذیه می‌شود. و غذا جسمی است که شأنش این است که با طبیعت جسمی که گفته می‌شود غذای آن است، همانند گردد؛ پس به اندازه چیزی که در بدن تحلیل می‌رود — یا بیشتر یا کمتر — در آن افزایش می‌یابد» (ابن سینا، ۱۳۷۵ش، ص. ۵۵؛ ابن سینا، ۲۰۰۷م، ص. ۵۷)

دیگر اندیشمندان نیز با تفاوت‌هایی جزئی، تعریفی مشابه ارائه کرده‌اند. (شهرزوری، ۱۳۸۳ش، ج. ۲، ص. ۳۳۵؛ فخر رازی، بی تا، ج. ۲، ص. ۲۳۵؛ علامه حلی، ۱۳۳۷ش، ص. ۳۶۷؛ جهامی، ۱۴۲۵ق، ص. ۱۲۴۳؛ ملا صدرا، ۱۳۶۸ش، ج. ۸، ص. ۵۳؛ نعیم طالقانی، ۱۴۱۹ق، ج. ۲، ص. ۸۶؛ فاضل تونی، ۱۳۸۶ش، ص. ۳۲۳؛ ايجی، ۱۳۲۵ق، ج. ۷، ص. ۱۷۳؛ سبزواری، ۱۳۸۳ش، ج. ۱، ص. ۳۶۴؛ تهبانوی، ۱۹۹۶م، ج. ۲، ص. ۱۷۱۳) برخی این نفس را موجودی غیرمجرد می‌دانند. (تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج. ۳، ص. ۲۹۸؛ فیاض لاهیجی بی تا، ج. ۲، ص. ۳۵۲) این نفس دارای قوایی است که مجموعه آنها به قوای طبیعی نامیده می‌شود. (ایجی، ۱۳۲۵ق، ج. ۳، ص. ۱۸۸) و منشأ افعال نباتی است (ایجی، ۱۳۲۵ق، ج. ۶، ص. ۷۸؛ آمدی، ۱۴۲۳ق، ج. ۳، ص. ۱۳۹) که این افعال بدون اراده و شعور انجام می‌شوند. (ایجی، ۱۳۲۵ق، ج. ۳، ص. ۱۸۸ و ج. ۶، ص. ۲۵۱؛ تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج. ۲، ص. ۳۴۸ و ج. ۳، ص. ۳۰۰؛ استرآبادی، ۱۳۸۲ش، ج. ۱، ص. ۴۵۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ص. ۲۴۸) نفس نباتی دارای سه قوه «غاذیه، نامیه و متولده» است (طوسی، ۱۴۰۵ق، ص. ۴۹۷-۴۹۸؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ص. ۱۹۲-۱۹۳؛ علامه حلی، ۱۴۲۶ق، ص. ۱۲۷-۱۲۸؛ ايجی، ۱۳۲۵ق، ج. ۳، ص. ۱۸۸؛ تفتازانی، ۱۴۰۹ق، ج. ۳، ص. ۲۹۸؛ ابن سینا، ۱۴۰۰ق، ص. ۳۸۰؛ علامه حلی، ۱۴۲۶ق، ص. ۱۲۷؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ق، ص. ۱۶۵؛ ملا صدرا، ۱۳۶۰ش، ص. ۱۲۶؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸ق، ج. ۱، ص. ۵۰۶) دو قوه غاذیه و نامیه برای بقای شخص و تکمیل ذاتی شخص لازم‌اند. (ایجی، ۱۳۲۵ق، ج. ۳، ص. ۱۸۸)

از دیدگاه فلاسفه و متکلمان مسلمان، روح نباتی همان نفس نباتی «کمال اول جسم طبیعی» و منشأ رشد، تغذیه و تولیدمثل است. اما آیا قرآن نیز همین دیدگاه را تأیید می‌کند.

۳-۳. چیستی نفس و رابطه آن با روح

در تعریف و نسبت «نفس» و «روح» دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد. فلاسفه و متکلمان، نفس را جوهری بسیط و مجرد از ماده در ذات، اما متعلق به ماده در مقام فعل می‌دانند (فیاضی، ۱۳۸۹ش، ص.۳۵) برخی نیز نفس را غیر از روح یا حتی عین بدن دانسته‌اند (اشعری، ۱۴۰۰ق، ج.۲، ص.۳۰). در قرآن، «نفس» به صورت مفرد و جمع و «روح» تنها به صورت مفرد به کار رفته است. به نظر مصطفوی، روح حاصل افاضه و دمیدن است، در حالی که نفس بر ذات و وجود متشخص دلالت دارد؛ از این رو این دو واژه را نمی‌توان مترادف دانست (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج.۴، ص.۲۵۸ و ج.۱۲، ص.۱۹۹).

کاربرد قرآنی نیز این تفاوت را تأیید می‌کند؛ برای نمونه، در آیه «اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا» (زمر/۴۲)، «نفس» متعلق توفی قرار گرفته و در آیات دیگر از مرگ یا کشته‌شدن نفس سخن گفته شده است (آل عمران/۱۸۵؛ قصص/۳۳؛ اسراء/۳۳)، در حالی که روح به مرگ و کشته‌شدن متصف نشده است (مصطفوی، ۱۴۱۶ق، ج.۱۲، ص.۱۹۹). بنابراین نفس نه عین جسم است و نه همیشه به معنای روح انسانی؛ بلکه در اصل بر ذات و حقیقت یک موجود دلالت دارد و گاه به سبب وابستگی ذات انسان به روح، بر روح انسانی نیز اطلاق می‌شود (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج.۱۴، ص.۲۸۵).

از دیدگاه علامه طباطبایی، «نفس» در قرآن در سه معنا به کار رفته است: ذات هر چیز، شخص انسان و روح انسانی؛ دو معنای اخیر اختصاص به انسان دارند و درباره جنیان، فرشتگان و گیاهان به کار نرفته‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج.۱۴، ص.۲۸۵-۲۸۶). بر این اساس، «روح» در کاربرد انسانی بیشتر ناظر به بُعد فرآیدنی و «نفس» ناظر به خود شخص و ذات انسان است. با توجه به این تمایز، در بررسی روح یا نفس نباتی، تفاوت‌گذاری میان این دو اصطلاح مانع بحث نیست؛ زیرا آیات مربوط به گیاهان واژه «روح» یا «نفس» را به کار نبرده‌اند، بلکه ویژگی‌هایی مانند رشد، نمو، تغذیه و تولیدمثل را بیان کرده‌اند. بنابراین، مسئله پژوهش این است که آیا می‌توان از این ویژگی‌ها وجود نوعی روح یا نفس نباتی را اثبات کرد.

۴. تحلیل روح نباتی در قرآن و فرایند رویش

برای بررسی روح نباتی در قرآن، چهار محور قابل بررسی است: آیات روح، صورت‌گری انسان در رحم، آیات حیات و آیات رویش گیاهان

۴-۱. بررسی روح نباتی با تحلیل آیات روح

هیچ‌یک از آیاتی که واژه «روح» در آنها به کار رفته، دلیل مستقیمی بر وجود روح نباتی نیست؛ زیرا در بیشتر این آیات، «روح» به موجودی ملکوتی مانند فرشته اشاره دارد (شیخ طوسی، بی‌تا، ج.۶، ص.۵۱۵؛ مقاتل بن سلیمان، ۱۴۲۳ق، ج.۲، ص.۵۴۷؛ ابن قتیبه، ۱۴۲۳ق، ص.۲۶۵؛ طبری، ۱۴۱۲ق، ج.۱۵، ص.۱۰۵). موارد مربوط به «نفخ روح» نیز نمی‌توانند مؤید روح نباتی باشند. حتی استناد به آیه «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ» (اسراء/۸۵) برای این منظور پذیرفتنی نیست؛ زیرا علامه طباطبایی این آیه را شامل روح نباتی نمی‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج.۱۴، ص.۲۸۶).

۴-۲. تحلیل روح نباتی با تحلیل آیات ناظر به صورت‌گری انسان در رحم

علامه طباطبایی با استناد به آیه ۶ آل عمران، «روح نباتی» را در مراحل آفرینش انسان در اصلاّب و ارحام مطرح می‌کند و آن را منشأ رشد و تغذیه می‌داند؛ به نظر او نفخ روح انسانی، ارتقای همین روح در فرایند حرکت جوهری است و «الروح القدیمة» روایات

نیز با روح نباتی یکی است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج. ۳، ص. ۱۷). علامه مجلسی و فیض کاشانی نیز احتمال داده‌اند «روح قدیمه» همان روح نباتی است. (مجلسی، ۱۴۰۴ق، ج. ۲۱، ص. ۲۴؛ فیض کاشانی، ۱۴۰۶ق، ج. ۲۳، ص. ۱۲۸۳؛ ۱۴۱۵ق، ج. ۱، ص. ۳۱۷).
با این حال، به نظر می‌رسد «روح قدیمه» با روح نباتی تفاوت دارد؛ زیرا کارکرد روح نباتی تغذیه، نمو و تولیدمثل است، در حالی که روح قدیمه کارکردی مرتبط با حفظ هویت انسان در اصلاّب و ارحام دارد و نقشی در این امور ندارد (نصرتی، ۱۴۰۴ش، ص. ۱۰۸-۱۰۲).

۳-۴. بررسی روح نباتی با تحلیل آیات حیات

حیات در موجودات نباتی به وسیله آیات متعدد قرآن اثبات می‌شود، اما صرف وجود حیات، بدون اثبات ملازمه میان «حیات» و «روح» در مبانی قرآنی، روایی یا عقلی، نمی‌تواند دلیل وجود روح نباتی باشد. علامه طباطبایی با پذیرش این ملازمه، وجود مرتبه‌ای از روح در گیاهان را از آثار حیات و آیاتی که زنده شدن زمین پس از مرگ را بیان می‌کنند، نتیجه گرفته است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج. ۲۰، ص. ۱۷۵). در این استدلال، میان حیات نباتی و حیوانی تفاوت ماهوی وجود ندارد و تفاوت آنها تنها در شدت و ضعف است؛ بنابراین، همان‌گونه که روح برای حیوان اثبات می‌شود، می‌توان وجود آن را برای گیاه نیز اثبات کرد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج. ۱۰، ص. ۵۱-۵۲).

علامه طباطبایی در تفسیر آیه «وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا» (نحل/۶۵) حیات گیاهان را نوعی حیات حیوانی، هرچند ضعیف‌تر، می‌داند و معتقد است پژوهش‌های علمی وجود مبادی حیات در گیاهان را همانند حیوانات اثبات کرده‌اند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج. ۱۲، ص. ۲۸۸).

موجودات نباتی با جمادات در توانایی رشد و نمو پس از فراهم شدن شرایط مناسب تفاوت دارند؛ پرسش این است که منشأ این تفاوت چیست؟ ممکن است این تفاوت ناشی از وجود روح در موجودات نباتی باشد. اما این تفاوت می‌تواند ناشی از ویژگی‌های فیزیکی موجودات باشد و لزوماً به وجود یا فقدان روح بازنگردد. یعنی حتی بدون فرض وجود روح، موجودات می‌توانند در واکنش به آب، فرایندهایی مانند تغذیه، رشد و تولیدمثل متفاوتی داشته باشند. همان‌گونه که واکنش مواد شیمیایی به یکدیگر متفاوت است و این تفاوت به روح ارتباطی ندارد، تفاوت گیاه و جماد نیز می‌تواند بر اساس قوانین طبیعی تبیین شود؛ هرچند در دیدگاه دیگر، این تفاوت به وجود روح نباتی نسبت داده می‌شود که حیات آن با قوانین تجربی قابل تبیین است.

این دیدگاه که رشد، تغذیه و تولیدمثل بدون وجود روح امکان‌پذیر نیست، صرفاً یک فرضیه است؛ زیرا این فرایندها امروزه با تکیه بر علوم تجربی و قوانین طبیعی قابل تبیین‌اند.

در این دیدگاه، تفاوت گیاه و جماد را می‌توان بدون فرض وجود روح نباتی تبیین کرد و حیات گیاه را مستقل از روح نباتی در نظر گرفت. تفاوت گیاه و جماد را می‌توان کاملاً فیزیکی و طبیعی دانست؛ به گونه‌ای که میان دانه گندم و سنگ تفاوتی غیرفیزیکی نیست و تفاوت اصلی در برخورداری گیاه از زیست طبیعی است. دانه گیاه از حیات طبیعی برخوردار است که با قوانین طبیعت قابل تبیین است؛ با از بین رفتن این حیات، دانه فاسد شده و دیگر امکان رویش از آن وجود ندارد.

در هر دو تبیین، وجود حیات در گیاه قطعی است. اما اثبات وجود روح نباتی فراتر از حیات، دلیلی ندارد؛ زیرا تفاوت گیاه و جماد می‌تواند صرفاً فیزیکی و بر اساس قوانین طبیعی تبیین شود. بنابراین، چون فرضیه روح نباتی بر یافته‌های علمی و نه استدلال عقلی یا ظهور آیات مبتنی است، می‌توان تبیین علمی دیگری در برابر آن ارائه کرد.

۴-۴. بررسی روح نباتی در آیات ناظر به فرایند آفرینش گیاه در رؤیت‌پذیری و حرکت طبیعی

مهم‌ترین آیات برای بررسی وجود روح نباتی، آیاتی هستند که فرایند رویش گیاهان را بیان می‌کنند. قرآن این فرایند را با افعالی مانند «يُخْرِجُ»، «نُخْرِجُ»، «أَخْرَجْنَا»، «يُنْبِتُ» و «أَنْبَتْنَا» توصیف کرده است (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج. ۷، ص. ۲۸۹-۲۹۰).

۴-۴-۱. فعل «خروج» و دلالت آن بر فرایند طبیعی

واژه «خروج» در قرآن برای بیان رویش گیاهان به کار رفته است (انعام/۹۹؛ اعراف/۵۸-۵۷؛ طه/۵۳-۵۴؛ یس/۳۳-۳۶؛ اعلیٰ/۵-۴) فعل «خروج» صرفاً بیانگر بیرون آمدن گیاه از زمین به اراده خداوند است و به خودی خود بر حیات یا فقدان حیات آن دلالتی ندارد؛ بلکه تنها بر وقوع و مشاهده پذیری این فرایند دلالت می کند.

تنها در آیه «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ» (اعراف/۵۸)، فعل «خروج» به خود نبات نسبت داده شده و در دیگر آیات، خروج به خداوند اسناد یافته است. این آیات همچنین نقش اراده الهی، آب و زمین را در فرایند رویش گیاهان بیان می کنند.

(وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا وَمِنَ النَّخْلِ مِن طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِنْ أَعْنَابٍ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَابِهٍ انظُرُوا إِلَى ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ إِنَّ فِي ذَلِكَُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ) او کسی است که از آسمان آبی فرو فرستاد، پس به وسیله آن رویاندیم گیاه هر چیزی را، سپس بیرون آوردیم از آن [گیاه] سبزی را که از آن بیرون می آوریم دانه هایی روی هم چیده شده، و از نخل، از شکوفه اش خوشه هایی نزدیک و در دسترس، و باغ هایی از انگورها، و زیتون و انار را، شبیه [به هم در برگ و شاخه] و غیر شبیه [در طعم و میوه]. بنگرید به میوه اش هنگامی که میوه داد و به رسیدنش. همانا در اینها نشانه هایی است برای قومی که ایمان می آورند (انعام/۹۹)

در این آیه، به جای «خلق»، «فلق» یا «أنبت»، از «أخرجنا» استفاده شده است و خداوند فاعل اصلی و آب زمینه رویش معرفی می شود. آیه بدون اشاره به سازوکار درونی گیاه، صرفاً خروج و رویش آن به اراده خداوند و با کمک آب را بیان می کند.

در مرحله نخست رویش، آیه «فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ شَيْءٍ» به خروج ابتدایی گیاه از دانه پس از رسیدن آب اشاره دارد؛ به گونه ای که آب زمینه تغییر دانه، شکافتن آن و آغاز رویش را فراهم می کند.

در این آیه، بر فاعلیت خداوند و تأثیر آب تأکید شده و گیاه صرفاً پذیرنده این فرایند معرفی می شود. بر این اساس، حرکت و شکافتن هسته گیاه با رسیدن آب و فراهم شدن شرایط طبیعی رخ می دهد و چون این فرایند بر اساس نظام تکوینی است، فعل به خداوند اسناد یافته است. ممکن است هسته گیاه دارای قابلیت حرکت باشد، اما این حرکت در اثر آب و فراهم شدن شرایط طبیعی رخ دهد؛ بنابراین گیاه صرفاً پذیرنده و اثرپذیر از عوامل طبیعی است. خدا هسته گیاه را به گونه ای تکوینی سامان داده که با رسیدن آب فعال شده و موجب شکافتن پوسته و آغاز رویش شود؛ از این رو، خداوند به عنوان فاعل این فرایند معرفی شده است.

در مرحله دوم، پس از خروج گیاه از هسته، رشد و نمو آن ادامه می یابد تا سبزی و رنگ آن آشکار شود؛ در این مرحله، تغذیه از آب و مواد غذایی نیز همزمان با رشد صورت می گیرد.

در مرحله سوم، از گیاه سبز، دانه های جدید پدید می آیند که بیانگر تولیدمثل و تکثیر گیاه است. (نُخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُتَرَاكِبًا)

برای تبیین این فرایند، می توان به معنای لغوی «خروج» توجه کرد که به معنای بیرون آمدن چیزی از جایگاه خود است (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۸). در مفهوم «خروج»، نخست وجود موضع خروج مفروض است؛ یعنی چیزی از جایگاه خود بیرون آمده و آشکار می شود، مانند خروج از شهر یا خانه (فیومی، ج ۲، ص ۱۶۶؛ راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۸). «خروج» متضمن آشکار شدن و بیرون آمدن چیزی از حالت پنهانی است و به نخستین مرحله ظهور و آشکار شدن اطلاق می شود؛ این فرایند ممکن است با اکراه یا فساد همراه باشد یا بدون آن رخ دهد (فراهیدی، ج ۴، ص ۱۵۸؛ عسکری، ص ۲۲۵).

در آیات قرآن، نقش خداوند در فرایند رویش برای تقویت باور به معاد برجسته شده و رویش گیاهان با فعل «أخرج» به خداوند نسبت داده شده است. «اخراج» به معنای بیرون آوردن چیزی از محیط آن است (عسکری، ص ۲۲۵) و برخلاف تصور تدریج، بر نخستین مرحله آشکار شدن و بیرون آمدن چیزی پنهان دلالت دارد؛ معنایی که در باب افعال نیز متناسب با همین کاربرد ظهور می یابد. (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ق، ص ۲۷۸) مخصوصاً وقتی در رویش گیاه به کار می رود متناسب با این پدیده معنا می یابد.

خداوند به عنوان عامل، گیاه به عنوان پذیرنده خروج و آب به عنوان ابزار، در فرایند رویش در کنار یکدیگر قرار می گیرند؛ یعنی خداوند به وسیله آب، گیاه را از درون دانه بیرون می آورد، سبزی را از درون آن آشکار می کند و سرانجام دانه های جدید را از دل گیاه پدیدار می سازد. در این فرایند، از دانه نخستین تا دانه نهایی، تغییر و تحول هستی شناختی رخ نمی دهد؛ بلکه یک وجود از جایگاه اولیه خود خارج شده، از خفا به ظهور و مشاهده می رسد و در نهایت به صورت دانه بازمی گردد. بنابراین، رویش گیاه را می توان حرکتی از خفا به عیان دانست که در چند مرحله تحقق می یابد.

۱-۱-۴. مرحله اول قابلیت شیء در پذیرش حرکت

در آیاتی که فرایند رویش با فعل «خرج» بیان شده، نقشی مستقل برای گیاه در نظر گرفته نشده است؛ باین حال، تحقق خروج مستلزم قابلیت حرکت در گیاه است که این قابلیت را می توان ناشی از فعل و برنامه ریزی تکوینی خداوند در نوع گیاه دانست. علامه طباطبایی می فرماید:

«پس به وسیله آن آبی که از آسمان فرو فرستادیم، گیاه و رشد و نموی را که در هر چیزی است - و آن چیز نیروی گیاهی دارد - از نهان به آشکار بیرون آوردیم. یعنی به آن آب، هر چیز با قابلیت رویش را رویاندیم؛ مانند گیاهان خودرو، درختان، انسان و دیگر جانوران» (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج. ۷، ص. ۲۸۹)

این برنامه ریزی تکوینی می تواند به صورت وجودی مستقل مانند روح نباتی یا صرفاً به صورت قابلیت در خود دانه باشد؛ به گونه ای که دانه با رسیدن آب فعال شود، همانند ویژگی های عناصر شیمیایی که در ترکیب با مواد مختلف، واکنش های متفاوتی نشان می دهند.

خداوند به وسیله آب، گیاه را از هسته دانه خارج می کند؛ یعنی حرکتی در گیاه ایجاد می شود و وجود نهفته آن آشکار می گردد. در این فرایند، تحول هستی شناختی یا تبدیل شیء به شیء دیگر رخ نمی دهد، بلکه اجزای همان وجود در فرایند رشد و نمو بسط می یابند تا به مرحله ظهور برسند. در این مرحله، آب، خاک و قابلیت پذیرش دانه نقش دارند و این فرایند را می توان با «نمو» و، در صورت لحاظ تغذیه از آب، با «تغذیه» نیز مرتبط دانست.

تا این مرحله، رشد و نمو گیاه با آب و عناصر طبیعی قابل تبیین است و چون تحول هستی شناختی یا پیدایش امر جدیدی رخ نداده، نیازی به فرض روح نباتی نیست. حتی تغییر رنگ گیاه به سبز نیز دلیلی بر وجود روح نباتی نیست؛ بلکه آنچه اثبات می شود، وجود قوای طبیعی است که فخر رازی آنها را هفت قوه دانسته است: جاذبه، ماسکه، هاضمه، دافعه، غاذیه، نامیه و مولده (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج. ۳۰، ص. ۷۰۸).

با فعل «خرج» تنها می توان طبیعی بودن فرایند رویش گیاه و غیرارادی بودن آن را اثبات کرد و اثبات وجود روح نباتی نیازمند دلایل برون متنی است. علامه طباطبایی نیز افعال طبیعی مانند رشد و تغذیه گیاهان را بی نیاز از علم و آگاهی می داند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج. ۱، ص. ۱۰۶).

برخی مفسران، این گونه افعال را به فاعل طبیعی آنها نسبت داده اند (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج. ۱۳، ص. ۸۴). همچنین افعال نباتی طبیعی و غیراختیاری اند و گیاه در برابر عوامل مطلوب، اختیار خودداری از فعل را ندارد (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج. ۷، ص. ۷۸).

اگرچه علامه طباطبایی این افعال طبیعی را به نفس نباتی نسبت می دهد و آن را بی نیاز از علم و اراده می داند، می توان پرسید اگر این افعال طبیعی اند، چه نیازی به فرض نفس نباتی وجود دارد و چرا ساختار فیزیکی گیاه برای تحقق آنها کافی نباشد، به ویژه اگر نفس نباتی را مجرد ندانیم. برای روشن شدن این مسئله، کاربرد «أخرج» در رویش گیاه با زایش انسان مقایسه می شود.

۱-۲-۴. مرحله دوم ابزار و شرایط تبدیل قابلیت به فعلیت

در فرایند رویش، دو عامل اصلی یعنی آب و زمین دخالت دارند؛ آب نقش اساسی در این فرایند دارد و بدون آن رویش تحقق نمی یابد. حرکت گیاه نیز حرکتی غیرارادی است که آب از عوامل اصلی تحقق آن به شمار می رود (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج. ۱۳،

ص. ۸۴). با رسیدن آب به دانه، قابلیت نهفته آن به فعلیت می‌رسد و عامل دیگری در تحقق این فرایند دخالت ندارد (زمخشری، ۱۴۰۷ق، ج. ۲، ص. ۵۱؛ طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج. ۱، ص. ۳۹۸). این امر به معنای نیازمندی خداوند به آب نیست؛ بلکه آب صرفاً وسیله‌ای است که خداوند برای تحقق فرایند رویش قرار داده و می‌توانست این فرایند را بدون آن نیز محقق سازد (طبرانی، ۲۰۰۸م، ج. ۳، ص. ۶۷؛ طبرسی، ۱۳۷۲ش، ج. ۴، ص. ۵۲۸).

به نظر می‌رسد نقش آب در تمام فرایند رویش گیاه تا مرحله تولیدمثل، امری مسلم است (مقاتل، ۱۴۲۳ق، ج. ۱، ص. ۵۸۱؛ طبری، ج. ۷، ص. ۱۹۴؛ طبرانی، ۲۰۰۸م، ج. ۳، ص. ۶۷). در نبود آب، گیاه سبز و زنده نمی‌ماند و خشک می‌شود (ماتریدی، ۱۴۲۶ق، ج. ۴، ص. ۱۸۷). این حرکت باید تا حدی ادامه یابد که گیاه از دانه خارج شود؛ زیرا پیش از خروج، هنوز این حرکت به‌عنوان «خروج» تحقق نیافته است.

در آیات قرآن، زمین به‌عنوان محل رشد و نمو گیاه و یکی از عوامل مؤثر در رویش معرفی شده است. علامه طباطبایی نقش زمین در پرورش گیاه را مشابه نقش رحم در پرورش جنین می‌داند (طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج. ۱۴، ص. ۳۴۵؛ ج. ۱۷، ص. ۸۵).

در آیه ۵۷ سوره اعراف، زمین به‌عنوان بستر رویش و خروج ثمرات مطرح شده است: «فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ»؛ این فرایند نیز نمونه‌ای برای امکان رستاخیز معرفی می‌شود: «كَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَى». در آیه ۵۸، بر قابلیت زمین تأکید شده است: «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ»، در حالی که زمین ناپاک جز گیاهی اندک و بی‌ثمر نمی‌رویانند (اعراف/۵۸-۵۷).

عبارت «وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرِجُ نَبَاتَهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ» نشان می‌دهد که زمین صالح، به اذن خداوند قابلیت پذیرش آب و فراهم کردن زمینه خروج آنچه در درونش نهفته است را دارد؛ در مقابل، «وَالَّذِي خَبُثَ لَا يَخْرِجُ إِلَّا نَكِدًا» بیانگر آن است که زمین ناپاک، رویشی اندک، بی‌ثمر و ناپایدار دارد. کاربرد «يَخْرِجُ» در هر دو آیه بر ظهور و آشکارشدن گیاه از درون زمین تأکید دارد، نه بر حیات یا وجود روح نباتی. بنابراین، «خروج» نه حیات گیاه را اثبات می‌کند و نه نفی؛ بلکه صرفاً بر جنبه عینی و مشاهده‌پذیر رویش دلالت دارد.

۳-۱-۴. مرحله سوم تولید مثل

مرحله سوم، تولید دانه‌های جدید از گیاه است. این مرحله نیز تغییر در پیدایش روح در هستی نبات را اثبات نمی‌کند؛ یعنی صرف تولد و تکثیر نوع، وجود روح نباتی را اثبات نمی‌کند. البته این احتمال وجود دارد که روح نباتی عامل این تغییرات باشد، اما صرف چنین احتمالی، اثبات‌کننده وجود روح نباتی نیست.

قرآن در بیان تولد انسان از واژه «أَخْرَجَكُمْ» استفاده می‌کند: «وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ» (نحل/۷۲). در این مرحله از آفرینش انسان، که تولد نامیده می‌شود، از فعل «أَخْرَجَكُمْ» استفاده شده است، نه «خَلَقَكُمْ»؛ در حالی که برای مراحل پیشین از واژه «خلق» و مشتقات آن استفاده شده است. در مرحله تولد انسان، تغییری در هستی‌شناسی او رخ نمی‌دهد، بلکه مکان انسان تغییر می‌کند.

رویش گیاه نیز شبیه آفرینش انسان است. همان‌گونه که آفرینش انسان در رحم به‌صورت مرحله‌به‌مرحله شکل می‌گیرد، رویش گیاه نیز مرحله‌به‌مرحله انجام می‌شود؛ با این تفاوت که در آفرینش انسان، هستی او در هر مرحله تغییر می‌یابد و تنها در مرحله تولد تغییری در هستی او رخ نمی‌دهد؛ یعنی در مراحل مختلف آفرینش انسان، تغییر در هویت و هستی او رخ می‌دهد و موجود پیشین، اگرچه ماده و مبدأ موجود جدید است، با مرحله بعد تفاوت وجودی دارد. از این رو، در آفرینش انسان، برای تبیین مراحل، ابتدا از واژه «خلق» و مشتقات آن استفاده شده و در نهایت، در مرحله تولد، با واژه «أَخْرَجَكُمْ» (شما را بیرون آوردیم) توصیف شده است.

در آغاز، نطفه‌ای ناچیز در رحم قرار می‌گیرد؛ این نخستین خلق است. خلق دوم، آفرینش علقه است. انسان از نطفه به «علقه»، یعنی چیزی آویخته و چسبنده، تبدیل می‌شود. سپس خلقتی جدید پدید می‌آید و به «مضغه»، یعنی چیزی شبیه گوشت جویده‌شده، درمی‌آید. پس از آن، استخوان‌ها شکل می‌گیرند و با گوشت پوشانده می‌شوند. در ادامه، روح الهی در او دمیده می‌شود و انسان به «خلقا آخر»، یعنی موجودی متفاوت با حیوان و گیاه، تبدیل می‌گردد. در تمام این مراحل، هویت وجودی انسان تغییر نمی‌کند، بلکه از صورتی به صورت دیگر منتقل می‌شود؛ در عین حال، تغییر این صورت‌ها همراه با تغییر هستی‌شناختی است.

در تولد، هم هویت وجودی انسان ثابت است و هم صورت هستی‌شناسانه او حفظ می‌شود. همان موجودی که در رحم بوده، از مکانی به مکان دیگر خارج می‌شود. آفرینش تازه‌ای نیست؛ همان‌گونه که در رویش گیاه، جوانه از خاک بیرون می‌آید، سبز می‌شود، سپس ثمر می‌دهد و دانه تولید می‌کند. از نظر وجودی، تفاوت بنیادینی رخ نداده و خلقت تازه‌ای به حساب نمی‌آید، بلکه انتقال از مرحله‌ای به مرحله دیگر است؛ حرکتی تدریجی از نهان به آشکار، از بطن خاک یا رحم به عرصه حیات و ظهور.

در تولد، هم هویت وجودی انسان ثابت است و هم صورت هستی‌شناسانه او حفظ می‌شود. همان موجودی که در رحم بوده، از مکانی به مکان دیگر خارج می‌شود. آفرینش تازه‌ای نیست؛ همان‌گونه که در رویش گیاه، جوانه از خاک بیرون می‌آید، سبز می‌شود، سپس ثمر می‌دهد و دانه تولید می‌کند. از نظر وجودی، تفاوت بنیادینی رخ نداده و خلقت تازه‌ای به حساب نمی‌آید، بلکه انتقال از مرحله‌ای به مرحله دیگر است؛ حرکتی تدریجی از نهان به آشکار، از بطن خاک یا رحم به عرصه حیات و ظهور.

در تولد، هویت وجودی انسان تغییر نمی‌کند، بلکه مکان او عوض می‌شود. در رویش گیاه نیز همین‌گونه است: جوانه از خاک بیرون می‌آید، سبز می‌شود، سپس ثمر می‌دهد و دانه تولید می‌کند. از نظر وجودی، تفاوت بنیادینی رخ نمی‌دهد و خلقت تازه‌ای به حساب نمی‌آید؛ بلکه انتقال از مرحله‌ای به مرحله دیگر است. برای این انتقال، نیازی به خلقت جدید و عنصر بیرونی مانند روح نباتی نیست.

گیاهان نه فقط «رشد می‌کنند» (نبت)، بلکه با قدرت الهی از دل زمین و ساقه بیرون کشیده می‌شوند (أُخْرِجَ). این خروج به واسطه نقشی است که آب ایفا می‌کند. در حقیقت، آب وسیله‌ای است که خداوند با آن، حیات نهفته را به عرصه آشکار می‌آورد.

۲-۴-۴. فعل «نبت» و دلالت آن بر رویاندن

آیاتی که با مشتقات «نبت» فرایند رویش گیاهان را بیان می‌کنند یا صرفاً در مقام گزارش از واقعه‌ای تاریخی^۱، تبیین اصول دین مثل معاد^۲ و توحیدند^۳. در این آیات، تمرکز بر آفرینش گیاه و مراحل آن نیست، بلکه بر نظم و اندازه‌گیری دقیق افعال طبیعی الهی، مانند گستردگی زمین، استواری آن به وسیله کوه‌ها و رویش موزون گیاهان است. باین حال، می‌توان دلالت آنها را در تحلیل روح نباتی بررسی کرد؛ مهم‌ترین بحث، بررسی ویژگی‌های ریشه «نبت» است.

برخی معنای «نبت» را معنای معین و معلوم می‌دانند (ابن فارس، ۱۴۰۴ق، ج ۵، ص ۳۷۸) یا آن را به حس ارجاع داده و «نبت» را فعل گیاه دانسته‌اند. (فراهیدی، ۱۴۰۹ق، ج ۸، ص ۱۲۹؛ صاحب، ۱۴۱۴ق، ج ۹، ص ۴۴۶) وقتی که این فعل به یک عامل دیگری نسبت داده می‌شود و به باب افعال یا تفعیل می‌رود، معنای زراعت و کاشت را به خود می‌گیرد. در ریشه نبات تغذیه (فراهیدی، ج ۸، ص ۱۳۰؛ عمر، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱) و رسیدگی (فراهیدی، ج ۸، ص ۱۳۰) لحاظ شده و نیز رشد اجزا اخذ شده است (عمر، ۱۴۱۶ق، ص ۱۱).

۱. وَ أَتَيْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِنْ يَقْطِينٍ؛ رویانیدیم برای او درختی از کدو (صافات/۱۴۶)
۲. برای نمونه: وَ الْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَ أَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَ أُنَبِّتُنا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْزُونٍ؛ و زمین را گستریدیم و در آن کوه‌هایی افکندیم و از هر گیاه موزون در آن رویانیدیم. (حجر/۱۹) دو آیه ۷ و ۹ سوره ق نیز مثل آیات قبلی در برابر منکران معاد از رویداد های طبیعی مثل رویش گیاهان برای اثبات معاد استفاده می‌کند.
۳. در آیه زیر بحث از اثبات خداوند و قدرت اوست. أَوَلَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمْ أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ؛ آیا آنها به زمین نگاه نکردند چه مقدار در آن از انواع گیاهان رویانیدیم. (شعرا/۷)
لذا رویش گیاهان به عنوان نشانه ای از وجود یک خالق قادر استفاده شده است و طبیعتاً در مقام بیان جزئیات خلقت گیاهان نیست بلکه صرفاً جنبه رویت پذیری رویش را مطرح می‌کند
آیات زیر هم همین گونه هستند:
أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضَ وَ أَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُنْبِتُوا شَجَرَهَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا تَعْمَلُونَ (آیا بتهائی که معبود شما هستند بهترند) یا کسی که آسمان و زمین را آفریده و برای شما از آسمان آبی فرستاد که با آن باغهای زیبا و سرور انگیز رویانیدیم و شما قدرت نداشتید درختان آنان برویانید آیا معبود دیگری با خداست نه بلکه آنها گروهی هستند که (از روی نادانی) روی از خداوند و توحید می‌گردانند. (نمل/۶۰)
خَلَقَ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرْوَاهَا وَ أَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَ بَثَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَ أَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ؛ خداوند آسمانها را بدون ستونی که قابل رویت باشد آفرید و در زمین کوههایی افکند تا شما را به لرزه نیاورد و از هرگونه جنبنده بر روی آن منتشر ساخت و از آسمان آبی نازل کردیم و به وسیله آن در روی زمین انواع گوناگونی از جفت‌های گیاهان پر ارزش رویانیدیم. (لقمان/۱۰)
در آیه زیر سخن از رویش گیاهان به مثابه نشانه دلالت کننده بر وجود و قدرت خداست
سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ وَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَ مِمَّا لَا يَعْلَمُونَ؛ منزّه است کسی که تمام زوجها را آفرید از آنچه زمین می‌رویانند و از خود آنها و از آنچه نمی‌دانند. (یس/۳۶)

ص. ۱۱۰). رسیدگی به یک شیء زمانی معنا دارد که آن شیء قابلیت اصلاح داشته باشد تا با اصلاح، وضعیت بهتری پیدا کند؛ از این رو، تربیت‌پذیری یکی از ویژگی‌های نبات است (عمر، ۱۴۱۶ق، ص. ۱۱۰). چنان‌که علامه طباطبایی می‌فرماید:

«و حرث همان کشت است و معنای کسب در آن نهفته است؛ یعنی پرورش گیاه، یا گیاهی که پرورش داده می‌شود تا از آن در زندگی و معاش بهره‌برداری گردد.» (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج. ۳، ص. ۱۰۵)

تربیت‌پذیری گیاه را علامه طباطبایی در جای دیگری مفصل‌تر بیان می‌کند:

«اما راه نخست چنین توضیح داده می‌شود که حقیقتِ نبوت و تولّد آن است که یکی از این موجودات زنده‌ی مادی - مانند انسان و حیوان، بلکه گیاه نیز - جزئی از ماده‌ی خود را جدا کند، سپس آن را با پرورش تدریجی به فردی دیگر از نوع خویش تبدیل نماید؛ فردی همانند خود که همان خواص و آثار بر او مترتب گردد که بر آن جزئی جداشده مترتب بود. چنان‌که حیوان از خود نطفه را جدا می‌سازد، و گیاه از خود لقاح را جدا می‌کند، سپس به پرورش تدریجی آن می‌پردازد تا آن را به حیوان یا گیاهی دیگر همانند خود بدل سازد.» (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج. ۳، ص. ۲۸۷)

واژه «نبات» و افعال مشتق از آن مانند «یُنبت» و «أَنْبَتَا» بیشتر بر فرایند رشد و پرورش گیاهان تأکید دارند. به این معنا که از کمون به بروز می‌رسد (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج. ۷، ص. ۲۸۹) به این ترتیب که روح بالقوه درون گیاه بعد از رسیدن آب از کمون به بروز می‌رسد و زنده می‌شود. علامه این فرآیند را چنین توضیح داده است:

همان‌گونه که گیاهان، آنچه بر روی زمین از آنهاست دگرگون می‌شود و از میان می‌رود، در حالی که اصل و ریشه‌ی آن، که حامل روح حیاتی است، جدا از فرایند رویش و نمو باقی می‌ماند، سپس دوباره حیات فعال خویش را بازمی‌یابد؛ به همین قیاس، خداوند مردگان را برمی‌انگیزد. پس زنده کردن مردگان در قیامت بزرگ و حشر کلی، چیزی جز همانند زنده کردن زمین مرده در بعث جزئی سالانه نیست. و این سخن دنباله‌ای دارد که در جای دیگر - ان شاء الله تعالی - خواهد آمد. (علامه طباطبایی، ۱۳۹۰ق، ج. ۸، ص. ۱۶۱)

فعل «أَنْبَتَا» از باب افعال، بر ایجاد و افاضه رویش دلالت دارد؛ یعنی خداوند منشأ رویش است و گیاهان به اراده او می‌رویند. این رویش بر اساس اندازه، تناسب و تقدیر الهی و به صورت «موزون» انجام می‌شود. این تقدیر نه اشاره‌ای به عناصر فراطبیعی در فرایند رشد دارد و نه آنها را نفی می‌کند، بلکه بر نظم، اراده و قدرت الهی در افعال طبیعی تأکید دارد.

اگرچه از منظر فلسفه اسلامی، این رویش می‌تواند به «روح نباتی» اشاره داشته باشد، آیات نفیاً یا اثباتاً به این بعد اشاره ندارند. نهایتاً می‌توان وجود نیرویی را اثبات کرد که وظیفه تغذیه، رشد و تولیدمثل را بر عهده دارد. بنابراین، آیات هم بر نظم طبیعی و قوانین مادی و هم بر بروز نیروی حیاتی در گیاهان دلالت دارند که رویش، نشانه آن است. این رویش بر حیات‌یابی مجدد گیاهان به صورت متناسب و مقدر دلالت دارد و بیش از آن چیزی اثبات نمی‌کند. به عبارت دیگر، آیات جنبه رویت‌پذیر و حسی حیات گیاهان را برجسته می‌کنند تا منکران حیات پس از مرگ را به تفکر وادارند. از این رو، در مقام بیان چگونگی حیات گیاهان و عناصر دخیل در آن نیستند؛ بنابراین، نه وجود روح نباتی را اثبات می‌کنند و نه نفی. آیه زیر نیز به همین ترتیب، الگوی رویت‌پذیر و حسی معاد را قابل تصور می‌کند.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّن مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنَبِّئَنَّكُمْ وَنَقَرُ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشْدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأَنْبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ؛ ای مردم اگر در روز رستاخیز شک دارید (به این نکته توجه کنید که) ما شما را از خاک آفریدیم سپس از نطفه و بعد از خون بسته‌شده سپس از مضغه (چیزی شبیه گوشت جویده) که بعضی دارای شکل و خلقت است و بعضی بدون شکل هدف این است که ما برای شما روشن سازیم (که بر هر چیز قادریم) و جنین‌هائی را که بخواهیم تا مدّت معینی در رحم مادران قرار می‌دهیم (و آنچه را بخواهیم ساقط می‌کنیم) بعد شما را به صورت طفل بیرون می‌فرستیم سپس هدف این است که به حدّ رشد و بلوغ برسید در این میان بعضی

از شما می‌میرند و بعضی آنقدر عمر می‌کنند که به بدترین مرحله زندگی و پیری می‌رسند آنچنان که چیزی از علوم خود را به خاطر نخواهند داشت (از سوی دیگر) زمین را (در فصل زمستان) خشک و مرده می‌بینی اما هنگامی که باران را بر آن فرو می‌فرستیم به حرکت درمی‌آید و نمو می‌کند و انواع گیاهان زیبا را می‌رویاند. (حج/۲۲)

این آیه دو خلقت در دسترس انسان را برای تفکر در معاد مطرح می‌کند: نخست خلقت انسان در مراحل گوناگون و سپس مراحل خلقت گیاه؛ از این رو، در مقام اثبات یا رد روح نباتی نیست.

در نتیجه، آیات قرآن با تکیه بر نظم طبیعی و رویش گیاهان، فرایند آفرینش را محسوس و قابل مشاهده بیان می‌کنند تا انسان از آن به امکان معاد و حیات پس از مرگ منتقل شود؛ بنابراین، «روح نباتی» تنها تفسیری فلسفی است و دلالت مستقیم قرآنی ندارد.

۴-۳. فعل فلق و دلالت آن بر رویاندن

در نمونه‌ای دیگر، رویش گیاهان با شکافتن دانه پیوند خورده است؛ کاری که خداوند انجام می‌دهد. این تصویرسازی نیز برای تصور امکان معاد است.

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَى يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمَخْرُجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَٰلِكُمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ؛ خداوند شکافنده دانه و هسته است، زنده را از مرده و مرده را از زنده پدید. (انعام/۹۵)

در این آیه، گیاه صرفاً پذیرنده است و به نظر می‌رسد روحی در رشد و نمو و در نتیجه خروج از هسته دانه نقشی ندارد. البته چون آیه در مقام اثبات قدرت خداوند است، نمی‌توان آن را نافی تأثیر خود گیاه دانست؛ بلکه می‌توان این تأثیر را در عرض فاعلیت خداوند در نظر گرفت. بنابراین، شکافته شدن دانه یکی از مراحل رویش گیاه است، فارغ از اینکه خود گیاه در آن نقشی داشته باشد یا خیر. حتی با فرض نقش گیاه، روح نباتی اثبات نمی‌شود؛ زیرا حداکثر، فعل به فاعل طبیعی نسبت داده می‌شود و این امر منحصر به روح نباتی نیست و می‌تواند به جنبه فیزیکی و طبیعی گیاه نیز نسبت داده شود. در نتیجه مراحل رویش گیاه را می‌توان چنین تصویر کرد.

۱. آماده‌سازی زمین: خداوند زمین را گسترده و آن را همچون «رحم طبیعت» آماده کرد تا بذر در آن جای گیرد.

۲. نزول آب: خداوند آب را از آسمان فرو فرستاد تا زمینه‌ی حیات فراهم شود.

۳. رساندن آب به بذر: خداوند آب را به بذر رساند و آن را تغذیه کرد.

۴. شکافتن بذر: خداوند بذر را شکافت و نیروی رویش را در آن فعال نمود.

۵. خروج اولین بخش از گیاه و سپس تعیین یافتن ساقه.

۶. شکافتن زمین: گیاه به فرمان خدا زمین را شکافت تا راهی برای ظهور بیابد.

۷. بیرون آمدن گیاه: گیاه از زمین بیرون آمد و دیده شد؛ نشانه‌ای محسوس از حیات و قدرت الهی.

نتیجه‌گیری

۱. هیچ آیه‌ای از قرآن ظهور در وجود روح نباتی ندارد و اثبات روح نباتی نیاز به تحلیل‌های بیشتری دارد. البته این سخن به معنای نفی چنین روحی نیز نیست بلکه ممکن است با استدلال‌های دیگر این روح اثبات شود.

۲. آیاتی که واژه روح در آن‌ها به کار رفته، هیچ دلالتی بر روح نباتی ندارند. روح در این آیات به موجودی مستقل مثل فرشته دلالت می‌کند. تنها آیه مورد استدلال می‌توانست آیه «یستلونک عن الروح» باشد که دلالت آن زمانی درست است که اول ثابت شود روح نباتی وجود دارد. اشکالات دیگری نیز در میان است که علامه طباطبایی بیان نموده است.
۳. یکی از استدلال‌ها بر اثبات روح نباتی این است که قرآن حیات را برای گیاهان اثبات کرده است و این امر قطعی است نکته قطعی دیگر ملازمه بین حیات و روح است؛ اما این ملازمه ثابت شده نیست.
۴. استدلال دیگر این است که طبق آیات قرآن حیوانات روح دارند و اثر این روح با حیات ظاهر می‌شود. گیاهان هم مثل حیوانات واجد حیاتند، پس همانگونه که حیوانات واجد روحند، گیاهان هم واجد روحند؛ زیرا تفاوتی بین حیات حیوانی و حیات نباتی جز در شدت و ضعف نیست. از سوی دیگر حیات یکی از آثار روح است پس همانگونه که حیوان حیات دارد و از حیات آن به روح حیوانی پی می‌بریم پس از حیات نبات نیز به روح نباتی پی می‌بریم.
۵. ممکن است برای اثبات روح نباتی از آیاتی استفاده کرد که در این آیات فرایند رویش گیاه تبیین شده است. آیاتی که در آن از مشتقات «خرج»، «نبت»، «فلق» استفاده شده است. در هیچ یک از این آیات روح نباتی قابل اثبات نیست و حداکثر دلالتی که این آیات دارند این است که افعال دال بر رویش را به فعل طبیعی آن استناد دهند و این وجود روح نباتی را اثبات نمی‌کند؛ زیرا اولاً استناد فعل طبیعی هم با استناد آن به روح نباتی سازگار است و هم می‌تواند به بعد فیزیکی و طبیعی خود گیاه نسبت داده شود و اثبات اینکه در همین بعد طبیعی روح نباتی وجود دارد دلیل می‌طلبد و دلیلی بر آن نیست. از سوی دیگر ارجاع فعل طبیعی به خود گیاه بهتر است تا به روح نباتی آن؛ زیرا تصور طبیعی بودن در آن بهتر است و اگر به روح نباتی ارجاع دهیم باید شعور و اراده را از آن نفی کنیم، در حالی که با استناد روح نباتی به خود گیاه این دو تکلف را ندارد. تکلف اول ارجاع به یک موجود خارج از بعد فیزیکی و دوم نفی شعور و اراده از آن بعد.
۶. وجود قوه‌های طبیعی مثل تغذیه، نمو، تولید مثل در گیاه امری پذیرفته شده در بین مفسران است و ظهور آیات نیز آن را تایید می‌کند. ممکن است از وجود قوای طبیعی «تغذیه، نمو، تولید مثل» و اینکه در قرآن مورد قبول واقع شده و ظهور آیات آن را تایید کرده، به وجود روح نباتی استدلال کرد. اما این استدلال زمانی درست خواهد بود که نتوان تبیین طبیعی برای این سه مقوله ارائه کرد، در حالی که تبیین طبیعی برای این امور در دسترس است و با قوانین دانش شیمی و فیزیک این امور تبیین شده است.
۷. مراحل رویش گیاه را در قرآن می‌توان به صورت زیر مرحله بندی کرد که در هیچ یک از این مراحل وجود روح نباتی الزامی نبوده و ظهور آیات نیز دلالتی بر آن ندارد. «آماده‌سازی زمین، نزول آب، رساندن آب به بذر، تاثیر آب در گیاه و رشد و نمو آن، شکافتن بذر، خروج اولین بخش از گیاه و سپس تعیین یافتن ساقه، شکافتن زمین، بیرون آمدن گیاهان از زمین»

فهرست منابع

ابن اثیر جزری. (۱۳۶۷ش). *النهائیه فی غریب الحدیث و الآثار*، قم: موسسه مطبوعاتی اسماعیلیان

ابن سينا (١٤٠٠ق). رسائل ابن سينا، قم انتشارات بيدار.

ابن سينا، حسين بن عبد الله. (١٣٧٥ش) النفس من كتاب الشفاء (تحقيق علامه حسن زاده آملی)، قم: مكتب الإعلام الإسلامي.

ابن سينا، حسين بن عبد الله. (٢٠٠٧م) احوال النفس: رساله في النفس و بقائها و معادها (أحوال النفس)، ، باريس: دار بيبليون.

ابن سيده، علي بن اسماعيل. (١٤٢١ق). المحكم والمحيط الأعظم، (ج ٣، چاپ اول. بيروت: دار الكتب العلمية.

ابن فارس، احمد بن فارس. (١٤٠٤ق) معجم مقاييس اللغة. (چاپ اول). قم: مكتب الاعلام الاسلامي.

ابن قتيبة، عبد الله بن مسلم. (١٤٢٣ق). تأويل مشكل القرآن، (محقق: شمس الدين، ابراهيم). بيروت: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون

ابن عربي، محمد بن علي. (١٤١٠ق). رحمه من الرحمن في تفسير و اشارات القرآن، (مصحح: محمد محمود غراب) دمشق: مطبعة نضر.

استرآبادي، محمد جعفر. (١٣٨٢ش). البراهين القاطعة في شرح تجريد العقائد الساطعة، قم: مكتب الأعلام الإسلامي

اسفرايني، ملا اسماعيل. (١٣٨٣ش). أنوار العرفان، قم: دفتر تبليغات اسلامي

اشعري ابوالحسن اشعري (١٤٠٠ق) ، مقالات الإسلاميين و اختلاف المصلين، آلمان: فرانس شتاينر، چاپ سوم.

ايجي، مير سيد شريف. (١٣٢٥ق). شرح المواقف - افست قم: الشريف الرضي.

آمدی سيف الدين. (١٤٢٣ق). أبكار الأفكار في أصول الدين، قاهره: دارالكتب.

آملی، حيدر بن علي (١٤٢٢ق). تفسير المحيط الأعظم و البحر الخضم في تأويل كتاب الله العزيز المحكم، (مصحح: محسن موسوی تبریزی، چاپ سوم). قم: نور علی نور.

بقاعي، ابراهيم بن عمر. (١٤٢٧ق)، نظم الدرر في تناسب الآيات و السور، لبنان: دار الكتب العلمية، منشورات محمد علي بيضون.

تفتازاني، سعد الدين تفتازاني. (١٤٠٩ق). شرح المقاصد، (محقق: دکتر عبد الرحمن عميره). قم الشريف الرضي.

تهانوی، محمد علی تهانوی (١٩٩٦م)، موسوعة كشاف اصطلاحات الفنون و العلوم، بيروت: مكتبة لبنان ناشرون.

جهامي، جيار. (١٤٢٥ق) موسوعة مصطلحات ابن سينا (الشيخ الرئيس)، بيروت: مكتبة لبنان ناشرون.

حسيني علائي فاطمه (١٣٩٠ش)، تفاوت روح و نفس از دیدگاه قرآن و روایت، تهران، طراوت.

حقى برسوى، اسماعيل بن مصطفى (بى تا)، تفسير روح البيان، بيروت: دار الفكر.

راغب اصفهانی، حسین بن محمد. (۱۴۱۲ق). مفردات ألفاظ القرآن. (محقق: داوودی، صفوان عدنان). بیروت: دار الشامیة

روحانی، محمد و ذاکری، مهدی. (۱۳۹۹). آموزة تعدد ارواح در احادیث. دوفصلنامه علمی - پژوهشی معرفت کلامی، شماره دوم پیاپی ۲۵، پاییز و زمستان ۱۳۹۹، صص ۷۳-۸۸.

زمخشری، محمود بن عمر. (۱۴۰۷ق). الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الاقوایل فی وجوه التأویل، بیروت: دار الکتاب العربی.

سبزواری، هادی بن مهدی، (۱۳۸۳ش). أسرار الحكم، قم: مطبوعات دینی.

شهرزوری، محمد بن محمود. (۱۳۸۳ش) رسالة فی العلوم الطبیعیة (الشجرة الإلهیة)، تهران: مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران.

شهرستانی، محمد بن عبدالکریم (۱۳۷۸ش). تفسیر الشهرستانی المسمی مفاتیح الأسرار و مصابیح الأبرار، تهران: مرکز البحوث و الدراسات للتراث المخطوط .

شیخ طوسی، محمد بن حسن، (بی تا)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار الحیاء التراث.

شیخ زاده، محمد بن مصطفی، (۱۴۱۹ق). حاشیه محیی الدین شیخ زاده علی تفسیر القاضی البیضاوی، بیروت: دار الکتب العلمیة، منشورات محمد علی بیضون.

صاحب، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴ق) المحيط فی اللغة. (چاپ: اول). بیروت: عالم الکتب.

صادقی تهرانی، محمد. (۱۴۱۹ق). البلاغ فی تفسیر القرآن بالقرآن، قم: مکتبه محمد الصادق الطهرانی.

صفار قمی، محمد بن حسن قمی. (۱۴۰۴ق) بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد صلی الله علیهم، (محقق و مصحح: کوچه باغی، محسن بن عباسعلی، چاپ دوم) قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی.

طبرانی، سلیمان بن احمد. (۲۰۰۸م). التفسیر الکبیر: تفسیر القرآن العظیم، اردن، ارد: دار الکتاب الثقافی.

طبرسی، فضل بن حسن (۱۲۷۲ش). مجمع البیان فی تفسیر القرآن، تهران: ناصر خسرو .

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۲ق) تفسیر جوامع الجامع، قم: حوزه علمیه قم، مرکز مدیریت .

طبری، محمد بن جریر طبری. (۱۴۱۲ق). جامع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار المعرفة

طوسی، خواجه نصیر الدین. (۱۴۰۵ق). تلخیص المحصل المعروف بنقد المحصل، (چاپ دوم). بیروت: دار الأضواء.

عمر، عمر احمد. (۱۴۱۶ق). منهج التریب فی القرآن و السنة، دمشق: دار المعرفة.

علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۳۳۷ش) ایضاح المقاصد، تهران: دانشگاه تهران.

علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ق) کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد ؛ (مصحح آیت الله حسن زاده آملی، چاپ چهارم)، قم: مؤسسه النشر الإسلامی

علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۲۶ق). تسلیم النفس الی حظیره القدس ؛ قم: مؤسسه الإمام الصادق ع.

علامه طباطبائی، محمد حسین. (۱۳۹۰ق). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: موسسه الأعلمی للمطبوعات.
فاضل تونی، محمد حسین. (۱۳۸۶ش) حکمت قدیم (طبیعیات) (مجموعه رسائل عرفانی و فلسفی)، قم: مطبوعات دینی.

فخر رازی، محمد بن عمر. (بی تا) المباحث المشرقیه، قم: بیدار.
فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۰۹ق). کتاب العین. (چاپ: دوم). قم: نشر هجرت.
فیاض لاهیجی. (بی تا). شوارق الإلهام فی شرح تجرید الکلام، اصفهان: مهدوی.
فیاضی غلامرضا، (۱۳۸۹ش) علم النفس فلسفی تحقیق و تدوین محمد تقی یوسفی، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی
فیض کاشانی ملا محسن فیض کاشانی. (۱۴۱۵ق). تفسیر الصافی. (تصحیح حسین اعلمی، ج ۱، چاپ دوم). تهران: مکتبه الصدر.
فیض کاشانی، ملا محسن فیض کاشانی (۱۴۲۳ق). الحقائق فی محاسن الاخلاق، (چاپ: دوم). قم: دار الکتاب الاسلامی.

فیض کاشانی، ملا محسن فیض کاشانی. (۱۴۱۸ق). علم الیقین فی أصول الدین، قم انتشارات بیدار.
قاضی سعید قمی (۱۳۸۱)، الاربعینات لکشف انوار القدسیات، تهران: میراث مکتوب.
کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی. (۱۴۰۷ق)، (مصحح و محقق غفاری، چاپ چهارم) تهران، انتشارات الإسلامیه.
مقاتل بن سلیمان. (۱۴۲۳ق). تفسیر مقاتل بن سلیمان، (محقق: شحاته، عبدالله محمود). بیروت: دار إحياء التراث العربی.

ماتریدی، محمد بن محمد. (۱۴۲۶ق) تأویلات أهل السنه (تفسیر الماتریدی). (محقق: باسلوم، مجدی). بیروت: دار الكتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون.

مکارم شیرازی، ناصر. (۱۴۲۶ق). نفحات القرآن، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (علیه السلام).
ملا صدرا، محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۳۶۰ش). أسرار الآیات، تهران: انجمن حکمت و فلسفه
ملا صدرا، محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۳۶۱ش). تفسیر القرآن الکریم (صدرا)، (مصحح: خواجهی، محمد، چاپ دوم) قم: انتشارات بیدار.

ملا صدرا، محمد بن ابراهیم شیرازی. (۱۳۶۸ش) الحکمه المتعالیه فی الأسفار العقلیه الأربعة، قم: مکتبه المصطفوی.

مصطفوی، سید حسن. (۱۴۱۶ق). التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، سازمان چاپ و نشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۴جلدی

نصرتی، شعبان. (۱۳۹۷ش). معاشناسی قلب در قرآن، قم: انتشارات دارالحدیث.

نصرتی، شعبان و رکعی محمد. (۱۴۰۴)، حل چالش فلسفی هویت روح قدیم بر اساس روایات امامیه، مجله نقد و نظر، سال ۳۰ شماره ۴، صص ۸۸-۱۱۲. [10.22081/jpt.2025.71867.2235](https://doi.org/10.22081/jpt.2025.71867.2235)

نعیم طالقانی، محمدنعم بن محمدتقی. (۱۴۱۹ق) منهج الرشاد فی معرفه المعاد، مشهد: آستانه الرضویه المقدسه. مجمع البحوث الإسلامیه.

سپاسگزاری

از مسئولان پژوهشگاه قرآن و حدیث به خاطر حمایت در اجرای پژوهش حاضر و نیز از داوران محترم به خاطر ارائه نظرهای ساختاری و علمی سپاسگزاری می شود.

پیش از انتشار (ناویراسته)